

رہیافت کاربردگرایی در مطالعات ایرانی روابط بین الملل



نوذر شفیعی*
حسین درجانی**

* نوذر شفیعی عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان می باشد.

Shafiee2@hotmail.com

** حسین درجانی دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان می باشد.

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۵/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۶۷-۱۹۴.

چکیده

هدف اصلی این مقاله ارائه برداشتی نوین از نظریه روابط بین‌الملل براساس ذخیره واژگانی و محتوایی این علم در میان دانش پژوهان ایرانی رشته روابط بین‌الملل با رویکردی جدید به نام کاربردگرایی است. تأکید بر معنای نظریه و فرآیندها در روابط بین‌الملل و تعیین شاخص‌های کاربردگرایی متأثر از آنچه در نوشته‌های اخیر نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل رویکرد عمل‌گرایانه به نظریه خوانده می‌شود، بستری پژوهشی و تحقیقی است تا با اتکا به آن رهیافت کاربردگرایی در روابط بین‌الملل به صورتی روشن و هدفمند بررسی شود. نگارندگان مقاله حاضر بر این باور هستند که در پژوهش‌ها و نوشته‌های محققان ایرانی روابط بین‌الملل می‌توان نشانه‌هایی از مفاهیم نظری جدید روابط بین‌الملل را یافت. کاربردگرایی و مؤلفه‌های آن برآیند چنین دیدگاهی است که نگاه متدولوژیک رهیافت مطالعات ایرانی روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: کاربردگرایی، رهیافت ایرانی روابط بین‌الملل،
نظریه‌های روابط بین‌الملل، نظریه، فرآیندها

مقدمه

رشته روابط بین‌الملل به صورت آکادمیک با تأسیس کرسی *وودرو ویلسون*^۱ در سال ۱۹۱۹ در دانشگاه ابرست ویت^۲ در ویلز^۳ بریتانیا توسط *دیوید دیویس* بنا نهاده شد (see: Bull, 1972).

بی‌تردید گستردگی و پراکنش دانش روابط بین‌الملل در سال‌های آغازین تأسیس، مناطقی محدود شامل اروپای غربی و ایالات متحده امریکا را دربر می‌گرفت، و وسعت و گستره آن در سال‌های نخستین هزاره سوم تا این حد قابل ارزیابی و پیش‌بینی نبود. به‌رغم این پویایی و گستردگی، فهم^۴ نظری از نظریه روابط بین‌الملل به تولید نظریه‌ها و رهیافت‌های گوناگون در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه منتج نشده و یا در سطح نازلی بوده است.

مقاله حاضر به دلایل و یا چگونگی تولید یا تولید نشدن علم در جوامع جنوب نخواهد پرداخت، بلکه در صدد پاسخ به این پرسش است که نگرش اندیشمندان ایرانی به مطالعات روابط بین‌الملل چگونه است؟ پاسخ به این پرسش از آن نظر مهم است که امروزه اندیشمندان روابط بین‌الملل در هر کشوری دارای نگرش خاص خود (تحت تأثیر عوامل مختلف) به روابط بین‌الملل هستند که این نگرش‌ها تحت عنوان رهیافت، مکتب، دیدگاه و برداشت اندیشمندان آن کشورها به روابط بین‌الملل مطرح است؛ اما در ایران به‌رغم برجستگی بعضی از پژوهشگران، هنوز

-
1. Woodrow Wilson
 2. Aberystwyth
 3. Wales
 4. Understanding

نگرش قابل اتکایی شکل نگرفته و یا تلاش برای تجمیع آن نگرش‌ها به صورتی هدفمند انجام نشده است.

پرسش اصلی این مقاله امکان‌سنجی ارائه برداشتی نوین با عنوان کاربردگرایی در مطالعات ایرانی نظریه روابط بین‌الملل است و در پاسخ به آن، فرضیه اصلی امکان وجود چنین برداشتی در حوزه علم روابط بین‌الملل در ایران است؛ که ابتدا با در نظر گرفتن روش پژوهش به مقدماتی چون تعاریف، ویژگی‌های نظریه و فرانظریه در روابط بین‌الملل در معنای خاص اشاره می‌شود و در ادامه به رهیافت کاربردگرایی از منظری روش‌شناسانه و رویکرد موردی براساس نگاه پژوهشگران ایرانی خواهیم پرداخت و مؤلفه‌ها و زمینه‌های آن در نظریه روابط بین‌الملل را جستجو می‌کنیم.

روش پژوهش

به لحاظ روش پژوهش و از آنجا که مقصود از روش، درپیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف با نظم و توالی خاص است و یا به عبارت دیگر مجموعه ابزارها و تدابیری است که دستیابی به هدف نهایی و مطلوب را آسان می‌سازد، و مقصود از روش علمی، همه راه‌ها و شیوه‌هایی است که پژوهنده را از خطر محفوظ بدارد و رسیدن به حقیقت را برای وی امکان‌پذیر سازد (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۹-۱۸)؛ بنابراین در ویژگی‌های فرایند پژوهش علمی اصولی چون سیستماتیک بودن، منطقی بودن، تراکمی بودن، تجربی بودن، تکرارپذیر بودن، دوری بودن (تسلسل) و تصحیح‌کننده بودن مهم است (طاهری، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۴)؛ ولی وضعیت موجود در روش و پژوهش رشته روابط بین‌الملل از پنج منظر کلی قابل بررسی است:

۱. به علت اینکه رشته روابط بین‌الملل، علمی به معنای علوم دقیقه نیست، شناخت عینی و کامل در این رشته به صورت امری ناقص و نسبی باقی خواهد ماند؛
۲. ارتباط تحقیق با مسائل جاری، تجزیه موضوعی و تحلیل منظم و مفهومی، از ویژگی‌های نوین مطالعات و تحقیقات روابط بین‌الملل است؛
۳. نظریه‌سازی در روابط بین‌الملل به صورت کثرت نظریه‌ها درآمده است؛
۴. به دلیل کثرت نظریه‌ها در رشته روابط بین‌الملل، این معرفت از یک پارادایم

واحد برخوردار نیست؛

۵. روابط بین‌الملل یک معرفت میان‌رشته‌ای است (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ۲۲۹-۲۱۸).

بر این اساس در پژوهش فوق با رویکردی کثرت‌گرا، روش پژوهش کیفی را ملاک قرار داده‌ایم. پژوهش کیفی بهره‌برداری از ترکیبی از روش‌های کیفی است؛ بنابراین به نظر برخی از روش‌شناسان کیفی، پژوهش کیفی مستلزم یک نوع بریکولاژ^۱ و پژوهشگر یک نوع بریکولور^۲ است (کوثری، ۱۳۸۷: ۱۶۲). در اینجا منظور از بریکولاژ این است که پژوهشگر باید به‌صورت خلاقانه با نوعی «امتزاج و ترکیب» این روش‌ها، از آنها در راستای پژوهش خود استفاده کند. بنابراین پژوهش کیفی مستلزم نوعی تکثر روشی است. پژوهشگر کیفی در کار خود هرگونه استراتژی، روش یا مواد تجربی در دسترس را به‌کار می‌گیرد. از این‌رو، برخلاف تصور رایج، روش کیفی به‌هیچ‌وجه به‌معنای استفاده نکردن از داده‌های کمی نیست (کوثری، ۱۳۸۷: ۱۶۲). به‌طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های پژوهش کیفی را به‌صورت زیر برشمرد (سیلورمن، ۱۳۷۹: ۵-۳):

۱. استفاده از چند روش یا تکنیک: پژوهش کیفی از مجموعه‌ای از روش‌ها مانند مصاحبه، مشاهده، تفسیر اسناد شخصی و تاریخی، تفکر عمیق درباره خود و درون‌بینی بهره می‌برد؛

۲. تعاملی بودن و محصول کولاژگونه: کار پژوهشگر کیفی نوعی بریکولاژ است؛ محصولی پیچیده، متراکم، تأملی و کولاژگونه است که نمایانگر تصاویر، فهم و تفاسیر محقق از جهان یا پدیده مورد بررسی او است؛

۳. تکثر روش‌شناختی و اعمال پژوهش متنوع: روش کیفی مزیتی برای هیچ روش‌شناسی خاصی قائل نیست.

بنابراین مقاله حاضر در یک رویکرد پژوهشی کیفی‌نگر با تعمق و بررسی نوشته‌ها و پژوهش‌های برخی از دانشمندان علم روابط بین‌الملل در ایران و با در نظر گرفتن همانندی‌ها و تشابهات، به بستری نظری در رهیافت‌های روابط

بین‌الملل برخورد خواهد کرد که آن را کاربردگرایی^۱ نامیده‌ایم.^(۱) پیوستگی‌های چندسطحی^۲ میان مؤلفه‌های کلیدی در روابط بین‌الملل باعث شده تا یافتن معانی و رهیافت‌های متکثر به امری بدیهی در نظریه روابط بین‌الملل تبدیل شود.^(۳) همچنان‌که *دانیل گلر*^۳ و *جان واسکز*^۴ بر ارتباط رویکردهای شناختی مختلف در روابط بین‌الملل برای ایجاد «اجماع پژوهشی»^۵ در این رشته تأکید دارند (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۶۸۰).

نگارندگان متن حاضر براساس یافته‌های نظری و فرایند درک مفهومی از مباحث تئوریک، ویژگی‌ها و نشانه‌های رویکرد کاربردگرایی را به‌صورتی روش‌مند در پیوند با نظریه روابط بین‌الملل ارائه می‌کنند. شکی نیست که این دیدگاه، گامی نخست در آغاز راهی طولانی است و بدون تردید در این مسیر، کاستی‌های زیادی وجود دارد که ممکن است نگارندگان را از مسیر اصلی منحرف سازد. تحت این شرایط، اساتید و صاحب‌نظران روابط بین‌الملل باید راهنمای ما در طی کردن این راه باشند. مورد نقد قرار گرفتن و به‌چالش کشیده شدن آنچه در این پژوهش و تحقیقات بعدی گفته و نوشته خواهد شد، انتظار بدیهی نگارندگان است و در پرتو این نقد و ارزیابی‌ها است که امید داریم اجماع پژوهشی پیرامون خمیرمایه ذهنی ما که همان کاربردگرایی، به‌عنوان رهیافت ایرانی در مطالعات روابط بین‌الملل است، حاصل شود.

چیستی نظریه و فرانظریه در نظریه‌های روابط بین‌الملل

دانش را می‌توان حاصل جستجوی انسان برای دانستن روا از خود و پیرامون خود دانست. دانسته‌ها، مصالح ساختمان دانش هستند و استواری هر دانش در هر رشته علمی، بسته به روایی^۶ و پایایی^۱ آنها است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۳). بر این اساس فهم

1. Applicativism
2. Multi-level
3. Daniel S.Geller
4. John A.Vasquez
5. Community of Inquiry
6. Validity

چیستی نظریه در تئوری‌های روابط بین‌الملل مهم و الزام‌آور است. بسیاری از دانشمندان سنت اروپایی واژه نظریه را در مورد هر چیزی به کار می‌برند که یک حوزه را به شکل اسلوب‌مند سازمان‌دهی کند، پرسش‌ها را ساختار بندی نماید و مجموعه منسجم و دقیقی از مفاهیم و مقوله‌های بهم مرتبط را مطرح سازد (آکاریا و بوزان، ۱۳۸۹: ۲۴). اما سنت غالب امریکایی معمولاً خواستار تعریفی یافت‌باورانه از نظریه است: بر این اساس نظریه باید تعریف عملیاتی اصطلاحات را به دست دهد و سپس روابط علت و معلول‌ها را بازگو و تبیین کند. این نوع نظریه باید در بردارنده قضیه‌های علت و معلولی آزمون‌پذیر باشد؛ یا بتواند چنین فرضیه‌هایی را تولید کند (آکاریا و بوزان، ۱۳۸۹: ۲۴). بر همین اساس *استیو اسمیت*^۲ در تقسیم‌بندی خود از نظریه‌های روابط بین‌الملل، بین نظریه‌های تشریحی^۳ و تکوینی^۴ و نظریه‌های مبنای^۵ و ضد مبنای^۶ تمایز قائل شده، نظریه‌های تشریحی / بنیادی را خردگرا^۷ و نظریه‌های سازنده / غیر بنیادی را در دو گروه واکنش‌گرا^۸ و سازه‌انگاری اجتماعی^۹ قرار می‌دهد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۰۴-۵۰۳). این تقسیم‌بندی و تقسیم‌بندی‌های دیگری که توسط سایر پژوهندگان دانش روابط بین‌الملل نظیر *مارتین وایت*^{۱۰}، *ای اچ کار*^{۱۱}، *مایکل بنکس*^{۱۲}، *جیمز روزنا*^{۱۳}، *هولیس*^{۱۴} و

-
1. Reliability
 2. Steve Smith
 3. Explanatory
 4. Constitutive
 5. Foundationalist
 6. Anti-Foundationalist
 7. Rationalist
 8. Reflectivist
 9. Social Constructivism
 10. Martin Wight
 11. E.H. Carr
 12. Michael Banks
 13. James Rosenau
 14. Holis

اسمیت^۱ بیان شده، نشان‌دهندهٔ تکثر نظری در این رشته مطالعاتی است؛^(۳) همچنان‌که تفاوت میان نظریه سیاسی و نظریه بین‌المللی از نخستین چالش‌های تئوریک در حوزه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل بوده است. از آنجا که نظریه سیاسی عبارت از نقشه‌های متکی بر تجربه با شیوه‌های اقدام در قلمرو روابط عادی و نتیجه قابل محاسبه‌اند، آنها نظریه مربوط به زندگی خوب و مطلوب هستند. نظریه بین‌الملل عبارت از نظریه بقا^۲ است. آنچه در نظریه سیاسی افراط محسوب می‌شود، می‌شود، در نظریهٔ بین‌المللی امری معمولی است (لینک لیتر، ۱۳۸۵: ۶۳). اما به بیان فرد چرنوف^۳ بسیاری از دانشمندان بین رویکردهای «درون‌نگر» و «برون‌نگر» برای بررسی روابط بین‌الملل تمایزی اساسی قائل هستند (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۴). برون، اشاره به رویکرد علمی دارد که تأکیدش بر استدلال علت و معلولی و شناسایی قانونمندی‌های موجود در رفتار دولت‌های ملی یا دیگر کنش‌گران اجتماعی است (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۴). چنین نظریه‌هایی می‌کوشند به فهم ما از سیاست جهانی^۴ به شکل نظریه‌های محتوایی کمک کنند که نمونه این نظریه‌ها را می‌توان در واقع‌گرایی^۵، نو واقع‌گرایی^۶، لیبرالیسم^۷، نهادگرایی نولیبرال^۸ و دیگر مکاتب دید (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶). *والترز* به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان رویکرد برون‌نگر در تشریح هدف نظریه روابط بین‌الملل معتقد است: نظریه روابط بین‌الملل توضیح قانونمندی‌های رفتار دولت‌ها به‌شکلی مختصر و مفید و قابل آزمایش است نه توصیف پدیده‌های زودگذری که به‌صورت سطحی و مقطعی رخ می‌دهند (کیمین، ۱۳۸۰: ۱۶۰). درواقع از دید او، همهٔ نظریه‌های روابط بین‌الملل با سه ویژگی مشخص می‌شوند که این سه ویژگی عبارتند از:

1. Smith
2. Survival
3. Fred Chernoff
4. World Politic
5. Realism
6. Neorealism
7. Liberalism
8. Neoliberal Institutionalism

استقراگرایی^۱، تخصص‌گرایی^۲ و تقلیل‌گرایی^۳ (کیمن، ۱۳۸۰: ۱۶۰). مورتون کاپلان^۴ با دیدگاهی پوزیتیویستی^۵ و رفتارگرایانه معتقد است برای دستیابی به نظریه‌های استوار و مستحکم در روابط بین‌الملل باید این حوزه مطالعاتی را به‌مثابه علوم طبیعی در نظر گیریم و از روش علوم طبیعی در روابط بین‌الملل استفاده کنیم^(۴) (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۲).

در فضایی دیگر رویکرد «درون» نگر منکر این تصور است که رفتار انسان‌ها در مقام افراد یا هر نوع گروه‌بندی - حکومت‌ها، بانک‌ها، احزاب سیاسی - را می‌توان به بررسی علمی گذاشت. رویکرد درون‌نگر را اغلب تفسیری می‌دانند^(۵) (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۵). رابرت کاکس^۶ با رویکردی درون‌نگر می‌گوید: «برای متحول کردن جهان، باید از اینجا آغاز کنیم که جهان را آن‌گونه که هست بشناسیم» (دیویتاک و دردریان، ۱۳۸۰: ۶۱). وی بیان می‌دارد: «نظریه همواره به نفع هدفی خاص است؛ بنابراین چیزی به‌نام نظریه صرف و جدا از دیدگاه مربوط به زمان و مکان وجود ندارد» (لینک لیتر، ۱۳۸۵: ۲۱۱). همان‌گونه که قابل مشاهده است، رویکرد برون‌نگر در نظریه‌پردازی رده نخست^۷ به نظری پردازی در مورد ساختار و پویایی نظام بین‌الملل و رویکرد درون‌نگر در نظریه‌پردازی رده دوم^۸ به مسائل فرانظری^۹ می‌پردازد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶). با توجه به اهمیت فزاینده مباحث فرانظریه، پیش از ورود به مبحث اصلی به معنای فرانظریه و ابعاد متفاوت آن در روابط بین‌الملل خواهیم پرداخت. برخلاف نظریه، فرانظریه به ما نمی‌گوید که جهان چگونه کارکردی دارد؛ بلکه درباره چگونگی بنیاد نظریه‌ها سخن می‌گوید و بین



-
1. Inductivism
 2. Ad-hoc-ism
 3. Reductionism
 4. Morton Kaplan
 5. Positivism
 6. Robert Cox
 7. First order Theorizing
 8. Second Order Theorizing
 9. Metatheoretical

انواع فهم‌های موجود از جهان و هستی‌شناسی^۱ آنها درباره واقعیت ارتباط برقرار می‌کند (معینی، ۱۳۸۵: ۱۲). در عرصه فرانظریه دعاوی هستی‌شناختی و شناخت‌شناسانه نظریه و سازه‌های پیشین^۲ آنها درباره واقعیت بررسی می‌شوند. فرانظریه ضمن اینکه یک نظریه است؛ درعین‌حال، درباره طبیعت دانش، ارزش‌ها و شناخت‌شناسی نظریه‌های رقیب تحقیق می‌کند (معینی، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۲). اما در حوزه فرانظریه بین‌المللی به بیان نیوفلد^۳ حوزه‌ای فرعی از روابط بین‌الملل است که می‌کوشد پاسخ دهد چه چیزی به یک نظریه خوب شکل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷)؛ بنابراین در گرو تأمل فرانظری، به‌منظور تضمین کارآمدی است. به‌عنوان مثال بسیاری از اختلاف‌نظرها در حوزه محتوایی ناشی از این است که نظریه‌ها چه پرسش‌هایی را مهم یا مشروع می‌دانند (افتخاری، ۱۳۸۷: ۴۸). این درحالی است که نیکلاس رنجر^۴ معتقد است زمانی در مباحثات روابط بین‌الملل این بحث مطرح بود که کلام نظریه برای بررسی و مطالعه روابط بین‌الملل مناسب‌تر بوده است ولی این حالت دیگر وجود ندارد. امروزه، بحث درباره عوامل تشکیل‌دهنده نظریه و همچنین بحث و مناظره بین نظریه‌های مختلف بیشتر درهم‌تنیده می‌شود (رنجر، ۱۳۸۲: ۲۲).

در شرایطی که به‌نظر می‌رسد فرمان اصلی مباحث رشته روابط بین‌الملل در دست نظریه و ما به‌ازاهای کنونی آن است، در کنش و واکنشی فراسونگر به‌دنبال یافتن ذخیره واژگانی و محتوایی نظریه روابط بین‌الملل در بین پژوهشگران ایرانی با تأکید بر رهیافت کاربردگرایی هستیم، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

رهیافت کاربردگرایی در مطالعات ایرانی روابط بین‌الملل

«محدودیت‌ها و تناقضات موجود در درون مفاهیم، چهارچوب‌ها و تبیین‌های نظری باید براساس کارایی (یا ناکارایی) آنها در تبیین رویدادهای معاصر به‌آزمون درآیند. درعین‌حال، آنها در شکل دادن به خود آن رویدادها نیز نقش دارند» (تامس بیرزتر،

1. Ontology
2. Apriori Constructs
3. Neufeld
4. Nicholas j. Rengger

به نقل از: مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۶۵).

همان‌گونه که در نظریهٔ **بیرزتکر** نیز مشهود است، تکثر معنایی و مفهومی در نظریه روابط بین‌الملل، پژوهشگر را به چالش وامی‌دارد تا براساس یافته‌های نظری و پدیده‌های پیرامونی دست به انتخاب زده و رویه‌ای سنجشی و محک‌زا را برگزیند تا به نتایج و تحلیل منطقی دست یابد. بر این اساس نگاه عمل‌گرایانه به نظریه‌ها^۱ پس از دهه‌ها کشمکش بر سر تعیین رهیافت جامع‌نگر^۲ در نظریه روابط بین‌الملل جایگزین شده و به‌نظر می‌رسد نوشته‌های متأخر پژوهشگران این رشته بیش از آنکه در پی یافتن معانی و مفاهیم درست باشند، به مفید بودن (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۶۵) و کاربردی بودن^۱ آنها توجه می‌کنند. چنانچه بحث اخیر **فریدریش کراتوچویل**^۳ یعنی طرح لزوم برگرفتن رویکردی عمل‌گرایانه به نظریه نیز متضمن این معنا است که باید با مفاهیم نیز به‌شکلی عمل‌گرایانه برخورد کرد و در چهارچوب اهداف خاص تحلیلی یا تبیینی از آنها انتظار مفید بودن داشت (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۶۵). در این دیدگاه نیز تحول مفهومی در روش‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی روابط بین‌الملل به‌روشنی اقبال مشاهده است. به‌عنوان مثال نقطه‌عزیمت از رویکرد کلاسیک^۴ به رویکرد کوانتومی^۵ در روش‌شناسی روابط بین‌الملل از جمله پویایی‌های روش‌شناختی در این حوزه است^(۶) (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۶۸۷).

کاربردگرایی به‌عنوان مطالعات ایرانی روابط بین‌الملل از منظری متدولوژیک متأثر از چنین فضایی است. هرچند نگاه کاربردی به نظریه‌های روابط بین‌الملل در سطح جهانی و در میان اندیشمندان رشته روابط بین‌الملل در یک معنای خاص نظیر کاربردگرایی قابل جمع نیست و در شرایط کنونی نمی‌توان برای آن مابه‌ازایی را که با هدفی خاص و دارای مؤلفه‌های متدولوژیک، آنتولوژیک و اپیستمولوژیک شکل گرفته باشد، باشد مشاهده کرد، لیکن افرادی نظیر **کراتوچویل** و **بیرزتکر** لزوم

-
1. Theoretical-Pragmatic
 2. Comprehensive
 3. Friedrich Kratochwil
 4. Classic Approach
 5. Quantum Approach

ایجاد فرایندی علمی و پژوهشی را در این مورد متذکر شده‌اند؛ بنابراین دریک معنای عام رویکرد کاربردگرا در سطح جهانی با چهارچوبی خاص قابل مشاهده نیست و با توجه به اینکه در ایران و در بین اندیشمندان این رشته می‌توان درکی قوی و عمیق نسبت به رهیافت کاربردگرا مشاهده کرد، بنابراین می‌توان در معنایی خاص آن را رویه‌ای هدفمند و پویا در نگاه اندیشمند ایرانی علم روابط بین‌الملل جستجو کرد که در این مقاله به صورت موردی و در کنشی متدولوژیک به آن خواهیم پرداخت. رویکرد کاربردگرا در مطالعات روابط بین‌الملل در بین دانشمندان ایرانی این رشته از اواسط دهه هفتاد شمسی نمایان شد، اما گسترش و توسعه نظری چنین رویکردی از ابتدای دهه هشتاد روندی پرشتاب به خود گرفت. نگاه کاربردی، برداشتی هدفمند، وسیله‌نگر، کاربردمحور و روش‌مند به نظریه‌های روابط بین‌الملل است، که ویژگی‌های آن عبارت است از:

۱. رسیدن به شناخت بر مبنای ترکیب و تقطیع داده‌ها؛^(۷)
۲. زمان‌مند بودن فرایند تحلیل به این معنا که در ترکیب موضوع تحلیل و نظریه، نظریه به عنوان کلیتی فرازمانی، فرامکانی و بدون زمینه‌مندی که در تمامی زمان‌ها، مکان‌ها و زمینه‌ها قابلیت استفاده را داشته باشد، تلقی نمی‌شود و این درحالی است که در مکاتبی چون رئالیسم، نورئالیسم و لیبرالیسم، نگاه فرازمانی، فرامکانی و زمینه‌مندی به نظریه‌ها وجود دارد؛^(۸)
۳. مکان‌مند بودن فرایند تحلیل که به تأسی از زمان‌مند بودن فرایند تحلیل قابل ارزیابی است؛
۴. نگاه کاربردمحور به تمامی نظریه‌ها اعم از رویکردهای کلاسیک، علمی و بازتاب‌گرا؛
۵. ابزارمحوری در رویه تحلیل داده‌ها به این معنا که تمامی داده‌های نظریه روابط بین‌الملل به عنوان ابزار در اختیار دانش‌پژوه ایرانی قرار گرفته است؛
۶. بسترسازی کیفیت‌گرا در تجزیه و تحلیل بر مبنای موضوع و نظریه روابط بین‌الملل؛
۷. پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل براساس هدف تحلیل در بعد مکانی - زمانی خاص، به تناسب، هم ناظر بر موضوع و هم در بطن موضوع است؛

۸. پرهیز از رد یا تأیید یافته‌ها به صورت تک‌بعدی و دوری از جزمی‌نگری به منابع شناخت؛

۹. برخلاف سایر رهیافت‌های روابط بین‌الملل، در کاربردگرایی ایرانی، پژوهشگر روابط بین‌الملل نگاهی عمودی^۱ به یافته‌ها دارد که در آن بر مبنای موضوع دست به انتخاب نظریه مرتبط و مناسب با موضوع می‌زند. در حالی که بسیاری از رهیافت‌های روابط بین‌الملل نگاه افقی^۲ به نظریه داشته و موضوع در تناسب با آن نظریه خاص معنا می‌یابد؛

۱۰. در کاربردگرایی ایرانی ملاک، انتخاب نظریه برتر و یا فراگیرتر نیست بلکه انتخاب نظریه به نسبت کاربرد موضوعی آن حائز اهمیت است.

با توجه به ویژگی‌های یادشده و با تأکید بر دو تن از پژوهشگران رشته روابط بین‌الملل در ایران (حمیرا مشیرزاده و جلال دهقانی فیروزآبادی) به بررسی و واکاوی رهیافت کاربردگرایی در نوشته‌ها و پژوهش‌های آنان خواهیم پرداخت.^(۹) ناگفته پیداست در این بررسی ملاک انتخاب، کثرت نگاه کاربردمحور پژوهشگر به نظریه روابط بین‌الملل بوده است.^(۱۰)

و فراوانی کمی و کیفی پژوهش‌های این دو تن در بررسی پدیده‌های روابط بین‌الملل با دیدی کاربردگرا و متدولوژیک که پایه و اساس متن حاضر است، حائز اهمیت می‌باشد. بر این مبنای تألیفات این دو پژوهشگر در بستر کاربردگرایی به بیش از پنج عنوان به لحاظ کمی بررسی و به همین دلیل در دو قسمت جداگانه به آن پرداخته شده است. همچنین در بخشی مجزا مهم‌ترین آثار کاربردگرایانه سایر اندیشمندان علم روابط بین‌الملل در ایران که مؤلفه‌های آن را لحاظ نموده و یا به این رهیافت مطالعاتی نزدیک شده‌اند به اختصار بررسی شده است؛ ضمن آنکه برخی از پژوهندگان علم روابط بین‌الملل در ایران یافته‌ها و تحولات مفهومی دیگری را در حوزه نظریه روابط بین‌الملل مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به جایگزینی محتوایی و مفهومی «مصلح متقابل بشری» در مقابل مفهوم «منافع ملی» در کتاب «اصول روابط بین‌الملل» حسین سیف‌زاده (سیف‌زاده،



۱۳۸۰: ۲۵۸) اشاره کرد که در پژوهش‌های آینده مفهوم‌شناسی رهیافت ایرانی مطالعات روابط بین‌الملل به چگونگی‌ها و چرایی‌های آن خواهیم پرداخت.

حمیرا مشیرزاده

در فرایند کاربردگرایی و به لحاظ حجم کمی و کیفی پژوهش‌های تألیفی که براساس نظریه روابط بین‌الملل صفتی کاربردگرا به خود گیرد، حمیرا مشیرزاده دارای تألیفات متعددی در این بستر فکری است. در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری»، وی در ابتدا با تأکید بر اینکه سازه‌انگاری^۱ بیش از هر چیز یک چهارچوب تحلیلی است که بعضی سعی کرده‌اند از آن یک نظریه روابط بین‌الملل استخراج کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳). به‌عنوان «ابزار تحلیلی» برای توضیح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کند و در ادامه با اتکا به مفاهیم اصلی سازه‌انگاری سعی در درک معنایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. مفاهیمی چون هویت اسلامی، فرهنگ اسلامی، قواعد اخلاقی، فقهی و حقوقی اسلام، مفهوم امت، برداشت معنایی از نظام بین‌الملل (دارالکفر و دارالاسلام)، قاعده نفی سبیل، حفظ مصلحت دولت اسلامی و صدور انقلاب اسلامی را در تأثیر و تأثر متقابل با مفاهیم نظری سازه‌انگاری می‌بیند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۱) و در جمع‌بندی پایانی بیان می‌دارد که سازه‌انگاری می‌تواند به ما کمک کند تا تداوم سیاست خارجی ایران را چه در دوران پیش از انقلاب و چه در دوران پس از انقلاب دریابیم و معمولاً آن را به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک یا موقعیت ساختاری می‌دانند، ولی سازه‌انگاران برآنند که این هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی هستند که مشخص می‌کنند موقعیت ژئوپلیتیک و موقعیت منطقه‌ای چه معنایی دارد. از این بعد به‌نظر می‌رسد که سازه‌انگاری تا حدی در توضیح سیاست خارجی موفق‌تر از رئالیسم است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۵). مشیرزاده در مقاله‌ای دیگر با استفاده از نظریه انتقادی روابط بین‌الملل به تحلیل و بررسی جایگاه نظری «گفت‌وگوی تمدن‌ها» و افتراقات و اشتراکات آن با نظریه انتقادی پرداخته است.^(۱۱) وی با توجه به ویژگی‌های انگاره گفت‌وگوی تمدن‌ها معتقد است این

1. Constructivism

انگاره شباهت‌هایی با نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل دارد و می‌تواند در توسعه و تنقیح آن نیز نقش داشته باشد و برعکس (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۴۵).

وی مفاهیمی چون سپهر عمومی، وضعیت کلامی آرمانی، اخلاق ارتباطی، کنش ارتباطی و فرایند زبان‌شناختی بین‌الذهانی را در کنش و واکنشی هم‌پیوند با انگاره گفت‌وگوی تمدن‌ها ارزیابی می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۴۶-۵۰) و در تجزیه و تحلیل پایانی با رویکردی کاربردگرا از مفهوم نظریه انتقادی روابط بین‌الملل بیان می‌دارد: «در سطح هستی‌شناسی، سرشت ایستای روابط بین‌الملل با طرح انگاره گفت‌وگوی تمدن‌ها نفی می‌شود، دولت‌ها تنها کنشگران مورد بحث در روابط بین‌الملل نیستند. از سوی دیگر، این مبتنی بر این فرض است که واحدهای موجود در سیاست جهانی داده‌های طبیعی مفروض قلمداد شده‌ای نیستند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها ثابت نیستند و می‌توانند از طریق تعامل تغییر کنند» (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۳).

از نظر معرفت‌شناسی، هم نظریه انتقادی و هم انگاره گفت‌وگوی تمدن‌ها مبتنی بر این فرض هستند که راه واحدی برای شناخت جهان، از جمله جهان روابط بین‌الملل، وجود ندارد. تأکید نظریه‌پردازان انتقادی بیشتر بر تاریخی بودن نظریه‌پردازی است؛ حال آنکه انگاره گفت‌وگوی تمدن‌ها بر تنوعات میان‌فرهنگی تأکید دارد. به این ترتیب، هر دو بر مشروعیت گفتمان‌های ضد هژمونیک و صدهای حاشیه‌ای تأکید دارند... هم در نظریه انتقادی و هم در انگاره گفت‌وگوی تمدن‌ها نظم موجود از نظر نابرابری‌ها، حاشیه‌گذاری‌ها، خشونت، روابط قدرت، سلطه و... مورد انتقاد قرار می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۳). مشیرزاده در تحلیلی دیگر و از منظری سازه‌انگارانه ضمن توضیح مخالفت گسترده جهانی با اقدام امریکا در حمله به عراق از منظر ساختارشناختی بین‌المللی و قواعد و هنجارهای حاکم بر آن معتقد است، این ساختار معنایی و انگاره‌ها، قواعد و هنجارهای تشکیل‌دهنده آن هستند که به اقدامات کنشگران معنا می‌دهند و آنها را قابل قبول یا ناپذیرفتنی، مشروع یا نامشروع می‌سازند (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۲۳۵)؛ بنابراین تهاجم به عراق به شکلی که رخ داد از یک سو تخطی از قواعد دستوری و حتی تکوینی نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. زیرا نه تنها برخلاف حقوق بین‌الملل مدون و عرفی است بلکه مغایر با اصول و قواعد بنیادینی است که نظام بین‌الملل را آنچنان‌که

کنشگران و ناظران آن می‌شناسند، تعریف می‌کنند و به آن قوام می‌بخشند. از سوی دیگر حمله به عراق مغایر با قواعد و سازوکارهای مشروعی است که برای حفظ نظام بین‌الملل شکل گرفته است (مشیرزاده، ۱۳۸۷: ۲۳۶). مشیرزاده همچنین در برآیند سه گفتمان بنیادی سیاست خارجی آمریکا یعنی لیبرالیسم، استثنانگرایی^(۱۲) و گفتمان امنیت ملی آمریکا، (هرچند به‌طور اخص از نظریه روابط بین‌الملل استفاده نمی‌کند) معتقد است که این سه گفتمان و گفتمان امنیت‌سازی عراق و حمله به این کشور نمودی است از تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده از یک سیاست مبتنی بر هژمونی جویی به یک سیاست «امپراتوری‌جویانه» (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۳) که می‌توان آن را در بستری کاربردگرا توصیف و تشریح کرد. بنابراین آنچه به‌روشنی در بخشی از پژوهش‌های حمیرا مشیرزاده قابل مشاهده است نگاه کاربردی به نظریه روابط بین‌الملل براساس نشانه‌هایی است که در سطور پیشین به آن اشاره شد.

جلال دهقانی فیروزآبادی

در بستر تفسیرگرایی کاربردی نظریه روابط بین‌الملل، **جلال دهقانی فیروزآبادی** دارای تألیفات و پژوهش‌های متعددی است. نگاه عمل‌گرایانه به نظریه‌ها و فایده‌مندی در تناسب با موضوعات جاری، به‌طور اعم و اخص در دیدگاه^۱ وی مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال دهقانی با تشریح اهداف خود از کاربرد نظریه انتقادی در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «هدف، ارائه یک نظریه انتقادی تحلیل سیاست خارجی ایران نیست که به رقابت با رهیافت‌های نظری دیگر برخیزد. همچنین آزمون نظریه انتقادی برپایه عملکرد و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز مد نظر نیست، بلکه منظور نشان دادن قابلیت و امکان نظریه انتقادی به‌عنوان یک چهارچوب مفهومی برای تحلیل سیاست خارجی ایران است. به سخنی دیگر، می‌توان بعضی از اهداف، ابعاد و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را براساس گزاره‌ها، مفاهیم و دقایق گفتمان نظریه انتقادی تبیین کرد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۰۲). و با استنباطی کاربردگرا و نه

1. Theoretical Pragmatism

وظیفه‌گرا^(۱۳) به نتیجه می‌رسد؛ اصول و الگوی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان براساس اصول و عناصر مفهوم رهایی^۱ نظریه انتقادی تحلیل و تبیین کرد. اصول سیاست خارجی رهایی‌بخش که حول محور مفهوم رهایی تعریف و تعیین می‌شوند عبارتند از: مسئولیت انسانی، جهانشمولی و جهانگرایی، مصالح بشری، ضدژمونیک‌گرایی و انقلاب ضدژمونیک. از سوی دیگر اصول نظری و الگوهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سی سال گذشته را می‌توان در این محورهای پنج‌گانه خلاصه کرد: مسئولیت‌های فراملی و رسالت‌مداری، فراملی‌گرایی، مصالح اسلامی و بشری، سلطه‌ستیزی و ائتلاف با سلطه‌ستیزان. با نگاهی به این دو دسته از اصول آشکار می‌شود که قرابت و سازگاری بسیاری بین آنها وجود دارد. این انطباق و سازگاری تحلیل و تبیین، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه مفهوم رهایی را موجه و امکان‌پذیر می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۱۶).

دهقانی همچنین در شرحی دیگر و در چهارچوب رویکرد انتقادی به ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بر ساختارهای متعدد تصمیم‌گیری در ایران تأکید می‌کند (دهقانی، ۱۳۸۱: ۳۰). وی در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در صدد انتخاب رهیافت و رویکرد نظری^۲ مناسب برای تحلیل سیاست خارجی ایران است و بر این مبنا هرکدام از رهیافت‌های نظری آرمان‌گرایی،^۳ صلح دموکراتیک،^۴ لیبرالیسم اقتصادی،^۵ واقع‌گرایی^۶ نواقح‌گرایی،^۷ نهادگرایی نولیبرال،^۸ سازه‌انگاری^۹ و تحلیل گفتمان^{۱۰} را در بستر زمانی - مکانی

1. Emancipation
2. Theoretical Perspective
3. Idealism
4. Democratic Peace
5. Economic Liberalism
6. Realism
7. Neo Realism
8. Neoliberal Institutionalism
9. Constructivism
10. Dicourse Analysis

خاص واجد شرایط کاربردی در تحلیل سیاست خارجی ایران می‌داند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۹-۱۷). وی در تحلیلی مبتنی بر تئوری سازه‌انگاری بیان می‌دارد که می‌توان چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای فکری و عقیدتی غیرمادی، مانند ایدئولوژی و جهان‌بینی را بر سیاست خارجی ایران بررسی کرد. همچنین نقش و جایگاه منافع قدرت غیرمادی در سیاست خارجی ایران را تعریف و تبیین و فراتر از آن تعریف و اولویت‌بندی منافع ملی ایران را براساس هویت و نقش ملی آن تجزیه و تحلیل کرد (دهقانی، ۱۳۸۸: ۵۰).

در فضایی دیگر دهقانی با التفات به نظریه آرمان‌گرایی معتقد است گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی تا اندازه‌ای مبتنی بر بعضی از مفروضه‌ها و اصول آرمان‌گرایی سنتی بود. طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، ائتلاف برای صلح و اصلاح سرمشق معطوف به قدرت حاکم بر روابط بین‌الملل، نزدیکی و همخوانی زیادی با اصول ارزشی و هنجاری مکتب آرمان‌گرایی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۰). همچنین با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان معتقد است که می‌توان از آن برای واکاوی سیاست خارجی ایران بهره جست، نخست به‌عنوان چهارچوبی مفهومی برای مطالعه و تبیین چگونگی تغییر و تحول گفتمان در سیاست خارجی ایران اعم از تغییر در درون یک گفتمان یا تغییر از یک گفتمان به گفتمان متمایز دیگر؛ دوم، تجزیه و تحلیل تحولات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تغییرات رفتاری آن به‌صورت «در زمانی»^۱ و «هم‌زمانی»^۲ براساس تحول گفتمانی که در آن امکان‌پذیر است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۸). نگاه کاربردمحور در نوشته‌های دهقانی مهم است و براساس آن تحلیل بر مدار نظریه شکل می‌گیرد.

نگاه کاربردگرا در سایر پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، به لحاظ حجم کیفی و کمی دو دانش‌پژوه ایرانی یادشده در عرصه کاربردگرایی نوشته‌های متنوعی داشته‌اند؛ اما در همین فضا سایر

1. Diachronic

2. Synchronic

دانش پژوهان نیز فعالیت‌هایی داشته که به‌اختصار به برخی از آنها براساس نگاه متدولوژیک کاربردگرایی خواهیم پرداخت. **کیهان برزگر** در بسترسازی کیفیت‌گرا در تجزیه و تحلیل بر مبنای موضوع و نظریه روابط بین‌الملل در مقاله‌ای با عنوان: «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، ضمن برشمردن نشانه‌های اصلی رهیافت واقع‌گرایی، به این نتیجه می‌رسد که در چهارچوب سیاست خارجی واقع‌گرا و تدافعی عملکرد منطقه‌ای ایران از دو جهت قابل تحلیل است؛ در درجه نخست، برای رفع تهدید امریکا، ایران با به‌کارگیری راهبرد «امنیت به‌هم‌پیوسته» سعی دارد امنیت خود را به امنیت منطقه گره بزند... در درجه دوم ایران سعی دارد تا با حضور فعال و مشارکت جدی در مسائل منطقه‌ای، به‌نوعی با سیاستی پیشگیرانه، از شکل‌گیری حکومت‌ها و ائتلاف‌های غیردوست در مرزهای فوری خود جلوگیری کند (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۴). در فرایند پرهیز از رد یا تأیید یافته‌ها به‌صورت تک‌بعدمحوری و دوری از جزمی‌نگری به منابع شناخت در رهیافت کاربردگرایی **حسین سلیمی** در پویشی نسبت به زمینه‌های اجتماعی روابط ایران و امریکا از چشم‌انداز سازه‌نگاری بیان می‌دارد: هرچند جو و نگاه منفی در روابط ایران و امریکا وجود دارد اما این جو و نگاه منفی همراه با نقد نسبت به طرف مقابل باعث نمی‌شود که آنها به تقابل و تعارض گرایش داشته باشند، بلکه گرایش اصلی هر دو جامعه به حل و فصل تدریجی مشکلات موجود است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۹۴). در بستر نظریه‌های کلاسیک و میانبرد، **فرهاد قاسمی** با درنظر گرفتن ابزارمحوری در رویه تحلیل داده‌ها به این معنا که تمامی داده‌های نظریه روابط بین‌الملل به‌عنوان ابزار در اختیار دانش‌پژوه ایرانی قرار گرفته است در مقاله «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌دارد: در حوزه کاربردی تئوری‌ها، انواع سیستم‌های بازدارندگی و کاربردهای منطقه‌ای آن مطرح می‌شود. این سیستم از دو مدل منطقی و فیزیکی تشکیل شده و برحسب ابزارها و سایر متغیرها، گونه‌های مختلفی را در خود جای داده است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۸۱). براین پایه ایران باید سیستم‌های بازدارندگی نوع دفاعی از جمله سیستم بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم را در دستورکار خود قرار دهد؛ برقراری و طراحی این سیستم نیاز به الگوهای خاصی از دیپلماسی منطقه‌ای خواهد داشت که ایران باید در سیاست‌های کلی خود به آن توجه کند (قاسمی،

۱۳۸۸: ۸۱). از آنجا که در رهیافت ایرانی ملاک، انتخاب نظریه برتر و یا فراگیرتر نیست بلکه انتخاب نظریه به نسبت کاربرد موضوعی آن مهم است، **علیرضا رضایی** در مقاله «تبیین دوره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل»، بر مبنای رویکرد کاربردگرایی و تناسب‌انگاری، این دوره‌ها را در سه دستگاه فکری آرمان‌گرایی، واقع‌گرایی و سازه‌انگاری بررسی و تحلیل می‌کند که طی آن این دوره‌ها را به چهار دسته واقع‌گرایی حفظ‌محور (۱۳۶۰-۱۳۵۷)، آرمان‌گرایی بسط‌محور (۱۳۶۸-۱۳۶۰)، توسعه‌گرایی اقتصادمحور (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، توسعه‌گرایی سیاست‌محور (۱۳۸۴-۱۳۷۶) و آرمان‌گرایی اصول‌محور (...-۱۳۸۴) تقسیم‌بندی می‌کند (رضایی، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۴). براساس رهیافت کاربردگرایی و رسیدن به شناخت برمبنای ترکیب و تقطیع داده‌ها؛ **داوود آقایی** در پژوهش «سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل» معتقد است: براساس پارادایم سازه‌انگاری و روندهای تعامل تکراری میان ایران و اسرائیل، هویت‌ها و انتظارات نسبتاً ثابتی شکل گرفته است که طرفین را وامی‌دارد یکدیگر را دشمن درجه یک هم به حساب آورند؛ همچنین این پارادایم به ما خاطر نشان می‌کند که عامل تعیین‌کننده در رفتار جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل فاکتورهای مادی نبوده، بلکه هنجارهایی است که تأثیر مستقیمی بر هویت و منافع دارند (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۴). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، اندیشمندان بسیاری با رویکرد کاربردمحور در تناسب با نظریه و پدیده سعی در ارائه تحلیلی کاربردی و نگاهی عمل‌گرایانه به نظریه داشته‌اند که ناگفته پیدا است سایر جنبه‌های متدولوژیک این رهیافت جای کار و پژوهش بیشتری از سوی محققان ایرانی رشته روابط بین‌الملل دارد.

نتیجه‌گیری: نگاهی به آینده

نقطه‌عزیمت از نگاه عمل‌گرایانه به نظریه تا رویکرد کاربردگرایی در نظریه روابط بین‌الملل ناشی از تحول مفهومی و رویه متکثر رشته روابط بین‌الملل در آغاز هزاره سوم میلادی است. آنچه بیان شد برداشتی از فهم دانشمندان ایرانی علم روابط بین‌الملل از معنا و کاربرد نظریه در جهان واقعی است. پرسش‌های بسیاری در پس این برداشت نهفته می‌ماند:

آیا کاربردگرایی را می‌توان رهیافتی ایرانی در نظریه روابط بین‌الملل نامید؟
آیا کاربردگرایی و نشانه‌های برآمده از آن دارای رویکردی فرانظری بر مبنای
سه شاخص هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است؟ (چنانچه تعمق و
پژوهش بیشتری صورت پذیرد).

آیا کاربردگرایی را می‌توان پلی میان سه رویکرد کلاسیک، علمی و بازتاب‌گرا
در نظریه روابط بین‌الملل دانست؟

کاربردگرایی به کدام یک از مکاتب فکری نظریه روابط بین‌الملل نزدیک‌تر
است؟ و پرسش‌های بسیار دیگری که به نظر می‌رسد در فرایند اجتماع پژوهشی،
تعمق، تأمل و پاسخ به آنها انکارناپذیر است. در پایان دیدگاه **جیمز روزنا**^۱ در
تلاقی با مفهوم مورد استنباط این مقاله می‌تواند بستر فکری کاربردگرایی را
به وضوح نشان دهد: «تحولات تجربی ممکن است تأثیری بر علاقه ما به یک
رهیافت خاص داشته باشد، اما به نظر من گزینش، بیشتر به تمایل ربط دارد تا به
مشاهده، معنای رویدادها در صحنه جهانی بدیهی نیست. [بلکه] باید در نوعی بستر
یا زمینه تفسیر شود، و زمینه‌ای (یعنی رهیافتی) که ما در نظر می‌گیریم تعیین می‌کند
که چگونه رویدادها را تفسیر خواهیم کرد و برای آنها اهمیت قائل خواهیم شد
(مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۵).**»

یادداشت‌ها

۱. در فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی حییم Application (اسم)، به کار بردن، کاربرد یا برنامه کاربردی آورده شده و Applicative (صفت)، به معنای عملی، متناسب و کاربردی (حییم، ۱۳۸۵: ۴۶) است که از کلمه Applicativism به معنای کاربردگرایی استخراج شده است. (اصطلاح به کاررفته و معادل‌سازی آن به زبان انگلیسی صرفاً به صورت پیشنهادی است و توسط پژوهشگران علم روابط بین‌الملل در آینده می‌توان اصطلاح جایگزین و یا مشابه را یافت و بازسازی کرد که این در قالب نقد خواهد بود).
۲. در مورد مباحث مربوط به رهیافت و روش در نظریه روابط بین‌الملل نوشته‌های ذیل از پژوهش‌های متأخر است:
 - Snidal, D and Wendt, A. (2009) "why there is International Theory now", International Theory, Cambridge: Cambridge University Press.1-14.
 - Monteiro, N, P and Ruby, K,G (2009) "IR and the False Promise of Philosophical Foundations", International Theory, Cambridge: Cambridge University Press.15-48.
 - Lupovici, A. (2009) "Constructivist Methods: a plea and manifesto for pluralism", Review of International Studies, Cambridge: Cambridge University Press.195-218
۳. از دیگر تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به تقسیم بندی هدلی بول (Hedly Bull, 1966) اشاره کرد که رویکرد سنتی را متأثر از فلسفه، تاریخ و قانون دانسته و دومین رویکرد را علمی (Scientistic) که بر شواهد منطقی و ریاضی یا بر رویه‌های دقیقاً تجربی و واریسی استوار است (لینک لیتز، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۱).
۴. کاپلان علوم انسانی را تنها اندکی پیچیده‌تر از علوم طبیعی می‌داند و بنابراین ضمن توصیه به اینکه باید از ابزارهای علوم طبیعی در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل بهره جست، نتیجه می‌گیرد که باید ابزارهای علوم انسانی را اندکی پیچیده‌تر کرد. به نظر او فقدان صلابت لازم در نظریه‌های علوم انسانی، به دلیل نارسایی ابزارهای آن است (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۳).
۵. این رویکرد بررسی جهان اجتماعی را بیشتر شبیه روند رمزگشایی از معانی ادبیات

- می‌داند تا شبیه فرضیه‌پردازی درباره روابط علت و معلولی که کار دانشمندان علوم طبیعی است (چرنوف، ۱۳۸۸: ۲۵). همچنین کاکس معتقد است که باید میان دو دیدگاه برحسب هدف نظریه تمایز قائل شد: یکی، نظریه حل‌المسائل است که طی آن نظریه، راهنمایی است برای یافتن راه حل؛ و دیگری نظریه انتقادی است که به مفروضات خود نظریه و نیز فرایند نظریه‌پردازی توجه دارد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۹۴).
۶. رویکرد کوانتومی در روابط بین‌الملل پیچیده‌تر از رویکرد کلاسیک می‌باشد. از نظر هستی‌شناختی، این رویکرد دارای هستی‌شناختی مادی و معنایی، از نظر روش مطالعه معتقد به عدم قطعیت هرکدام از روش‌های موجود و از نظر شناخت‌شناسی معتقد به تکثر و نسبیست است (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۶۸۷).
۷. در این مورد می‌توان به کتاب **سیاست خارجی ایران: چندگفتار در عرصه‌های نظری و علمی**، نوشته محمد کاظم سجادی‌پور اشاره کرد.
۸. رویکرد عملی به مکان‌مند بودن و زمان‌مند بودن فرایند تحلیل کاربردگرایی را می‌توان در مقاله‌ای با عنوان «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد» نوشته امیرمحمد حاجی یوسفی به‌وضوح مشاهده کرد. درحالی‌که نظریه نواقع‌گرایانه کنت والتز صاحب رویکردی فرازمانی - فرامکانی است، حاجی یوسفی با رویکردی کاربردگرا از این نظریه در بستر زمانی - مکانی خاص استفاده می‌کند.
۹. نگارندگان مقاله حاضر باور دارند که براساس پژوهش‌ها و تألیفات دانشمندان ایرانی علم روابط بین‌الملل بخشی از این جریان دارای رویکردی کاربردگرا به نظریه روابط بین‌الملل است و بدیهی است این جریان کلیت پژوهشگران ایرانی رشته روابط بین‌الملل را دربر نمی‌گیرد. ضمن آنکه در این مقاله فرض بر ارائه رهیافتی ایرانی از نظریه روابط بین‌الملل بوده که در فضای اجتماع پژوهشی قابل رد یا تأیید است. ناگفته پیداست که در روش علمی، پژوهشگر نباید عمداً بکوشد که فرضیه را اثبات کند. به بیان دیگر، نباید نسبت به فرضیه خود تعصب داشته باشد. زیرا موضع‌گیری در علم بی‌معنا است. حتی ابطال فرضیه نیز به خودی خود دستاورد نظری دارد، چون تصورات انسان نسبت به واقعیت اصلاح می‌شود. اگر فرضیه تأیید شد، دو دستاورد دارد. یکی، درست بودن گمان، حدس و تصور منطبق بر واقعیت را نشان می‌دهد و دوم، علاوه بر این پیامد نظری، دستاورد عملی نیز دارد که این دستاورد را فناوری می‌نامیم. درضمن باید یادآور شد که در روش علمی هیچ تحقیقی در هیچ موضوعی، آخرین پژوهش نیست. زیرا دگرگونی در شناخت انسان با رویارو شدن با مشکلات جدید پدید می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۷: ۴۷).
۱۰. نوشته‌های متعددی با رویکرد کاربردمحور در پژوهش فوق مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است که برخی از آنها عبارتند از:
۱. ازغندی، علیرضا. ۱۳۸۴. «سازنده‌گرایی: چهارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، تابستان.
۲. برزگر، کیهان. ۱۳۸۸. «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»،

۳. حاجی یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۸۸. «عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی اسرائیل: ارائه مدلی تحلیلی»، *فصلنامه سیاست*، پاییز.
۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۸۲. «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد»، *فصلنامه سیاست خارجی*، زمستان.
۵. دهشیار، حسین. ۱۳۸۲. «نگاهی تئوریک به سیاست امریکا در قاره افریقا: از بازدارندگی تا گسترش»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، بهمن و اسفند.
۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۸. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۷. «سیاست خارجی رهایی‌بخش، نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، تابستان.
۸. دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۱. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتاب‌ها»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، پاییز.
۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۶. «هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب *منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، گردآورنده داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۸. «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، بهار.
۱۱. رضایی، علیرضا. ۱۳۸۸. «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه راهبرد یاس*، بهار.
۱۲. سازمند، بهاره. ۱۳۸۶. «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه آن از منظر بین حکومت‌گرایی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، پاییز.
۱۳. سلیمی، حسین. ۱۳۸۶. «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، پاییز.
۱۴. سیف‌زاده، حسین. ۱۳۸۳. «چیستی نظریه روابط بین‌الملل از منظر معناشناختی خاورمیانه‌ای»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*.
- ۱۵- شهیدی، محمود. ۱۳۸۴. «صلح پسامدرن بر مبنای سازنده‌گرایی»، *فصلنامه راهبرد*، زمستان.
۱۶. قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۳. «تحلیل سیاست بین‌الملل در چارچوب رویکرد جامعه بین‌المللی»، *دو فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، پاییز و زمستان.
۱۷. قوام، عبدالعلی، احمد فاطمی‌نژاد. ۱۳۸۷. *از منازعه تا همبستگی*، تهران: انتشارات واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. لطفیان، سعیده. ۱۳۸۷. «ایران و خاورمیانه: انتخاب‌های دشوار و موضوعیت واقع‌گرایی»، *فصلنامه سیاست*، پاییز.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۷. «جنگ امریکا علیه عراق و ساختار معنایی نظام بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، بهار.

۲۰. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۶. «چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمان داخلی»، *فصلنامه سیاست*، تابستان.
۲۱. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۵. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، حسین نوروزی (تدوین) *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۲. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۴. «نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و گفت‌وگوی تمدن‌ها»، *دو فصلنامه پژوهش علوم سیاسی*، پاییز و زمستان.
۲۳. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۳. «واقع‌گرایی، لیبرالیسم و جنگ امریکا علیه عراق»، *فصلنامه سیاست خارجی*، زمستان.
۲۴. مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۳. «گفت‌وگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌نگاری»، *فصلنامه حقوق و سیاست*، بهار.
۲۵. متقی، ابراهیم. ۱۳۸۶. «سازه‌نگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، زمستان.
۲۶. هرسبج، حسین. ۱۳۸۷. «چشم‌انداز سیاسی روابط فرهنگی ایران و ارمنستان: بررسی اصول واقع‌گرایی نو»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، زمستان.
۱۱. مشیرزاده در جایی دیگر با استفاده از نظریه سازه‌نگاری، گفت‌وگوی تمدن‌ها را تحلیل و ارزیابی می‌کند. نگاه کنید به: (مشیرزاده، ۱۳۸۳).
۱۲. مفهوم استثنا که براساس آن ایالات متحده امریکا «هم از سایر ملل متمایز است و هم بر آنها برتری دارد» و نیز «وظیفه‌ای خدادادی برعهده خود می‌بیند، به این نتیجه‌گیری منتهی می‌شود که «هرچه برای امریکایی‌ها خوب است، برای کل دنیا هم خوب است» (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۰).
۱۳. در اینجا منظور از وظیفه‌گرایی یا تعهدگرایی، التزام به مبانی یا رویکردهای شکل خاصی از نظریه در روابط بین‌الملل است که آن را در مقابل کاربردگرایی که رویکردی تکثرنگر است قرار داده‌ایم. نگاه وظیفه‌گرا یا تعهدگرا به نظریه روابط بین‌الملل را می‌توان در رویکردهای کلاسیک به‌وضوح مشاهده کرد.
۱۴. Diachronic یا «در زمانی» به‌معنای دیدگاه تاریخی و در طول زمان نسبت به پدیده‌هاست و در نتیجه، تحول و پویایی پدیده‌ها را در طول زمان مورد توجه قرار می‌دهد و در مقابل برداشت Synchronic یا «هم‌زمان» قرار می‌گیرد که مانند برداشت عکس در یک لحظه، واقعیت را ایستا می‌کند و روابط میان پدیده‌های مختلف را در آن لحظه مورد بررسی قرار می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۲۲۲).

منابع

الف - فارسی

- از غندی، علیرضا. ۱۳۸۴. «سازنده‌گرایی: چهارچوبی تئوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، تابستان.
- افتخاری، قاسم. ۱۳۸۷. «درآمدی بر علم بازتعریفی در نظریه روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، تابستان.
- آقایی، داوود. ۱۳۸۸. «سازه‌انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، *فصلنامه سیاست*، بهار.
- آکاریا، آمیتا، بری بوزان. ۱۳۸۹. *نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- برزگر، کیهان. ۱۳۸۸. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، *فصلنامه روابط خارجی*، بهار.
- بیلیس، جان و استیو اسمیت. ۱۳۸۳. *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۸۸. «عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی اسرائیل: ارائه مدلی تحلیلی»، *فصلنامه سیاست*، پاییز.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۸۲. «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پسا‌جنگ سرد»، *فصلنامه سیاست خارجی*، زمستان.
- چرنوف، فرد. ۱۳۸۸. *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- حییم، سلیمان. ۱۳۸۵. *فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۸. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۷. «سیاست خارجی رهایی‌بخش، نظریه انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، تابستان.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۱. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتاب‌ها»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، پاییز.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۶. «هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب: *منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، گردآورنده داود کیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۸. «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، بهار.
- دهشیار، حسین. ۱۳۸۲. «نگاهی تئوریک به سیاست امریکا در قاره آفریقا: از بازدارندگی تا گسترش»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، بهمن و اسفند.

- دیوتیاک، ریچارد و جیمز دردریان. ۱۳۸۰. *نظریه انتقادی، پست‌مدرنیسم، نظریه مجازی در روابط بین‌الملل*، ترجمه حسین سلیمی، تهران: گام نو.
- رنگر، نیکلاس. ۱۳۸۲. *روابط بین‌الملل، نظریه سیاسی و مسئله نظم جهانی*، ترجمه لی‌لا سازگار، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- رضایی، علیرضا. ۱۳۸۸. «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه راهبرد یاس*، بهار.
- سازمند، بهاره. ۱۳۸۶. «بررسی همگرایی اقتصادی در میان اعضای آسه‌آن از منظر بین‌حکومت‌گرایی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، پاییز.
- سریع‌القلم، محمود. ۱۳۸۰. *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- سلیمی، حسین. ۱۳۸۸. «رویکرد سازه‌انگارانه به زمینه‌های اجتماعی روابط ایران و امریکا»، *فصلنامه پژوهش علوم سیاسی*، بهار.
- سیف‌زاده، حسین. ۱۳۸۰. *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: میزان.
- سیف‌زاده، حسین. ۱۳۷۶. *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل مبانی و قالب‌های فکری*، تهران: سمت.
- سیف‌زاده، حسین. ۱۳۸۳. «چیستی نظریه روابط بین‌الملل از منظر معناشناختی خاورمیانه‌ای»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*.
- سیلورمن، دیوید. ۱۳۷۹. *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر تبیان.
- شهیدی، محمود. ۱۳۸۴. «صلح پسامدرن بر مبنای سازنده‌گرایی»، *فصلنامه راهبرد*، زمستان.
- طاهری، ابوالقاسم. ۱۳۸۰. *روش تحقیق در علوم سیاسی*، تهران: قومس.
- فات‌کیمین، امین. ۱۳۸۰. «فراسوی مناظره میان‌پارادایمی: چهار تصویر از بحران در مطالعه روابط بین‌الملل»، ترجمه علیرضا محمدخانی، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، بهمن و اسفند.
- قاسمی، فرهاد. ۱۳۸۸. «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، پاییز.
- قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۴. *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت.
- قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۳. «تحلیل سیاست بین‌الملل در چارچوب رویکرد جامعه بین‌المللی»، *دوفصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، پاییز و زمستان.
- قوام، عبدالعلی، احمد فاطمی‌نژاد. ۱۳۸۷. *از منازعه تا همبستگی*، تهران: انتشارات واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
- لطفیان، سعیده. ۱۳۸۷. «ایران و خاورمیانه: انتخاب‌های دشوار و موضوعیت واقع‌گرایی»، *فصلنامه سیاست*، پاییز.
- لینک لیترو، اندرو. ۱۳۸۶. *چالش علم و سنت*، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- لینک لیترو، اندرو. ۱۳۸۵. *ماهیت و هدف نظریه روابط بین‌الملل*، ترجمه لی‌لا سازگار،

- تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۷. «جنگ امریکا علیه عراق و ساختار معنایی نظام بین‌الملل»،
فصلنامه سیاست، بهار.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۶. «تکثر معنایی و تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، زمستان.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۶. «چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمان داخلی»، **فصلنامه سیاست**، تابستان.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۵. **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۵. «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، حسین نوروزی (تدوین)، **نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۴. «نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و گفت‌وگوی تمدن‌ها»، **دوفصلنامه پژوهش علوم سیاسی**، پاییز و زمستان.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۳. «گفت‌وگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌نگاری»، **فصلنامه حقوق و سیاست**، دانشگاه تهران، بهار.
متقی، ابراهیم. ۱۳۸۶. «سازه‌نگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، زمستان.
معینی علمداری، جهانگیر. ۱۳۸۵. **روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست**، تهران: دانشگاه تهران.
میرمحمدی، مهدی. ۱۳۸۶. «پویایی‌های روش شناخت در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، زمستان.
هرسیج، حسین. ۱۳۸۷. «چشم‌انداز سیاسی روابط فرهنگی ایران و ارمنستان: بررسی اصول واقع‌گرایی نو»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، زمستان.

ب - انگلیسی

- Bull, Hedley. 1972. "The Theory of International Politics, 1919-1969", in B. Porter(ed.), *The Aberystwyth Papers*, Oxford: Clarendon Press